



۲۰۱۸/۰۱/۰۱

ملک الشعراء محمد نسیم اسیر

سال نو ۲۰۱۸ مبارک!

با وجود کبر سن و علالت مزاج، روز یکشنبه «۳۱ دسمبر»، آخرین روز سال را، با خانم علیل تر از خود، تا نیمه های شب، در برابر تلویزیون و در کنار پنجره نشسته و منتظر تغییر شماره سال بودیم که این تحول چه ارغانی برای خیر و فلاح مردم در جهان، با خود می آورد.

پوره ساعت ۱۲ شب، با صدای انفجاری، آتشبازی که در آن اطفال، جوانان، حتی کلان سالان سهم داشتند، یک عدد بر شماره افزوده شد و سال جدید ۲۰۱۸ آغاز یافت.

در جاده ها و میدان های وسیع شهر، آتشبازی با چنان شور و شوق ادامه داشت که بینندگانی چون ما، تصور می کردند، مردم مصمم اند تمام کدورت ها و نا بسامانی های سال گذشته را که اکثراً خود عامل آن بوده اند به آتش بکشند، تا با خاطر آرام و عاری از همه بغض ها و کینه ها، سال نو را با همدلی و همدردی در پرتو صلح و سلام ادامه بدهند.

روز بعد آسمان ابرآلود با جاده های نمناک، چهره شهر را مانند دیروز نشان می داد . . . از ماتمکده افغانستان که هر لحظه با تکرار مکررات بمب و انتحار، شمع زندگانی کسی خاموش می گردد و مردم مظلوم ما به آن عادت کرده اند، نباید چیزی گفت. حتی پرندگان از آن می نالند:



مشاهده زندگی یک نواخت روز اول جنوری ۱۸ انگیزه سرودن منظومه ای شد که از نظر می گذرد:

در سال نو، امروز، غم و سوز همانست
خوب و بد امروز چو دیروز همانست
تیری به دل از خُدعه ایام خلیده
درد سر این تیر جگر دوز همانست
وضع بد ما بر سر جنجال سیاست
در پنجهٔ عُمال بد آموز، همانست
از چشمهٔ آسایش ما آب نخیزد
بر تشنه لبان حسرت جانسوز همانست
بگذشت شب و روز به شیرینی و تلخی
دل شاد مکن، زانکه شب و روز همانست
محنتکدهٔ ما که سراپا همه درد است
صد فتنه که سر می زند هر روز همانست
«دستی مگر از غیب کند» دفع غم و رنج
ور نه بشر حادثه افروز همانست
از وحدت ملی نتوان یافت نشانی
در وحدت ما نکتهٔ مرموز همانست
با آنکه «اسیر» از دل ما غصه نشد دور
امید گشایش به شب و روز همانست

م. نسیم «اسیر» ۰۱ جنوری ۱۸م، فرانکفورت